

# اصلاح الگوی مصرف؛ نیازمند تحول درونی فکری

محمدعلی دهقان دهنوی / معاون اداره تحقیق و توسعه بانک

همکارانش و فضای فکری مدیرش را نیز مصرف می‌کند. همچنین قسمتی از منابع ملی کشور، ساختار و تشکیلات اداری کشور، هزینه های تأمین اجتماعی کشور و یک فرصت شغلی نیز توسط این کارمند مصرف می‌شود. با کمی دقت و تیزبینی می‌شود موارد متعدد دیگری نیز به این لیست اضافه کرد. به همین ترتیب هر فردی در هر جایگاهی می‌تواند لیستی از آنچه که مصرف می‌کند را برای خودش تهیه کند.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا واقعاً این همه مصرف، ارزش اندیشیدن در خصوص چگونه مصرف کردن و الگوی بهینه مصرف را ندارد؟ هریک از ما در هر کجا که مشغول به کار باشیم، در حال مصرف کردن عمر خود هستیم، عمری که قابل برگشت یا خریداری نیست. با کار کردن، ما بخشی از سلامتی و نیروی جوانی و فعالیت خود را نیز از دست می‌دهیم. با افزایش سن، قوای فکری انسان به سمت تحلیل می‌رود و آنچه که استعداد و توانایی داشته نیز مصرف کارهایی می‌شود که انجام داده است. آیا از مصرف این ارزشمندترین داشته های خود راضی هستیم؟ آیا استعدادهای خود را به بهترین شکل ممکن و در بهترین راه ممکن صرف کرده‌ایم؟ آیا با مصرف این کالاهای ارزشمند به آنچه که خواستیم و شایسته این مصرف بوده رسیده‌ایم؟

آیا آن بخش از هزینه های سازمان که برای ما مصرف شده است، اثربخشی لازم را داشته است؟ آیا در مصرف زمان انجام کار در اداره دقت لازم را داشته‌ایم؟ عدم مصرف صحیح ما در این مورد تا چه اندازه سبب مصرف بیهوده زمانهای کاری اداره، ارباب رجوع و سایر همکارانمان شده است؟ آیا ما در قبال چنین سهل انگاری‌ای مسئول نیستیم؟

هرکسی می‌تواند دهها سؤال از این دست از خودش بپرسد. البته این سؤالات به حوزه کاری ما منتهی نمی‌شود و لازم است سایر جنبه های زندگی خود را نیز در نظر بگیریم و درباره مصرف کالاهای باارزشی که داریم (اعم از مشهود و نامشهود) به تفکر بپردازیم. در واقع لازم است با روحیه پرسشگری و فکر کردن به هدفها، روشها، جایگاهها و ارتباطاتی که در زندگی خود قائل شده‌ایم یا به دست آورده‌ایم، بیندیشیم که چه چیزی را مصرف می‌کنیم، چه چیزی از این مصرف به دست می‌آوریم و چگونه می‌توان این فرآیند را بهبود بخشید.

سخن آخر اینکه راه اصلاح الگوی مصرف از اصلاح الگوی مصرف فرد فرد جامعه می‌گذرد. اگر هریک از ما سؤالات فوق را در مقابل خویش قرار دهد و به بهبود و اصلاح الگوی مصرف خودش بپردازد آنگاه موجهای کوچکی که از همین حرکات فردی ایجاد می‌شوند در تمام لایه های اجتماع رسوخ کرده و کشتی اصلاح الگوی مصرف را به مقصد می‌رساند و در غیر این صورت تلاشها در سطح مانده و نیروهای جامعه در کشاکش تصمیم بر اینکه اصلاح الگوی مصرف باید از دولت شروع شود یا ملت، خواهد ماند. در واقع شروع اصلاح الگوی مصرف نه از دولت، نه از ملت، نه از طرح هدفمند کردن یارانه ها، نه از تحدید واردات کالای خارجی، نه از تبلیغ صرفه جویی، نه از روابط و ساختارهای اقتصادی و نه از فرهنگ و سیاست و امثالهم می‌تواند باشد بلکه این مهم از اصلاح الگوی مصرف تک تک افراد جامعه و از فضای درونی فکر ایشان باید آغاز شود که اگر چنین شود آنگاه الگوی مصرف دولت و ملت و اقتصاد و جامعه نیز اصلاح خواهد شد.

فکر کردن در مورد واژگان اصلاح و الگو، سخن اندیشمندی را به یاد می‌آورد که در پایان عمری که به اندیشیدن درباره روش اصلاح جامعه انسانی، مردم کشورش، شهرش و خانواده‌اش پرداخت به این نتیجه رسید که یکاش خودم را اصلاح کرده بودم که اگر چنین کرده بودم، دیگران نیز اصلاح می‌شدند.

شاید در این سال که به نام حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف نامگذاری شده است، مهمترین رسالت هریک از ما نیز حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف خودمان باشد. شاید اگر تک تک ما الگوی مصرف خودمان را اصلاح کنیم، برآیند آن اصلاح الگوی مصرف در جامعه و اقتصادمان باشد.

قبل از آن خوب است که هدف از اصلاح الگوی مصرف را بدانیم تا حرکت به سمت آن را بر پایه هدف مشخص و با چشم انداز مشخصی ترسیم کنیم. البته هنوز تصور کامل و درک هماهنگی از هدف و روش اجرایی اصلاح الگوی مصرف در بدنه اجرایی کشور ایجاد نشده است و نظرات مختلف و بعضاً غیرهمسویی در این باب ارائه می‌شود. به نظر می‌رسد از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز اصلاح الگوی مصرف نمی‌تواند یک پروژه یکساله باشد بلکه پروسه‌ای طولانی و با ابعادی وسیع است و از همین رو سال جاری را سال حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف و نه اصلاح الگوی مصرف نامگذاری نموده‌اند.

چگونگی نقش آفرینی اصلاح الگوی مصرف در روند توسعه اقتصادی را بیشتر از هر چیزی می‌توان به حوزه مصرف و تخصیص منابع مرتبط نمود. هر کشور دارای امکانات، منابع، قابلیتها و استعدادهای محدودی است و تنها کشوری می‌تواند در فرآیند توسعه اقتصادی موفق باشد که بتواند این امکانات و منابع محدود را در بهینه ترین شکل ممکن و در بهترین جای ممکن مصرف کند.

در موضوع اصلاح الگوی مصرف شخصی نیز هدف چیزی جز این نیست. در واقع هدف از اصلاح الگوی مصرف شخصی نیز رسیدن به الگویی است از طریق آن هر فردی بتواند منابع، امکانات و استعدادهای محدود خود را به بهترین شکل ممکن به خواسته‌ها، نیازها و اهداف خود تخصیص دهد.

برای روشن تر شدن بحث لازم است به این موضوع توجه کنیم که منظور از مصرف، فقط مصرف کالاهای فیزیکی و خدماتی قابل خریداری نیست بلکه برخی از کالاهای نامشهود و بعضاً غیرقابل خریداری توسط هریک از ما در حال مصرف شدن است که شایسته است بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

امروزه کم و بیش همه مردم می‌دانند که الگوی مصرف کالاهایی نظیر سوخت، انرژی، آب، روغن نباتی، شکر و دارو در کشور ما الگوی بهینه ای نیست و نیاز به اصلاح دارد. بی شک یکی از محورهای تلاش ما برای اصلاح الگوی مصرف شخصی باید در راستای اصلاح همین موارد در زندگی شخصیمان باشد. لیکن موضوعات مهمتر و قابل توجه تری هم وجود دارند.

اجازه بدهید به عنوان مثال، لیست موارد مصرفی یک کارمند را مشخص کنیم. کارمندی که در یک اداره کار می‌کند، به غیر از فضای اداری و بخشی از هزینه های پرسنلی سازمان، بخشی از عمر، سلامتی، نیروی جوانی، قوای فکری و استعداد ذاتی خود را نیز مصرف می‌کند. علاوه بر این، کار وی در اداره بخشی از زمان انجام کارها در اداره، وقت ارباب رجوع سازمان، وقت